

مطالعه علل ارتکاب جرم در میان جوانان حاشیه نشین شهر همدان

محمود ابراهیمی^۱، زهرا جلیلی صالح^۲، فاطمه جلیلی صالح^۳

۴۵-۷۲/

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۱۵

تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۱۰/۱۲

چکیده

مقاله حاضر به بررسی و مطالعه علل ارتکاب جرم در میان جوانان حاشیه نشین شهر همدان پرداخته است. آمارهای موجود حکایت از این دارد که بیشتر جوانانی که مرتکب جرایم گوناگون می شوند عموماً در مناطق حاشیه شهر ساکن می باشند. این مناطق بیش از سایر مناطق در معرض انواع فعالیت‌های غیر قانونی است که غالباً با جرایم بیشتری روبه رو هستند. هدف کلی پژوهش این است که ببینیم آیا نیاز و فرصت در بروز جرم نقش دارند یا خیر. و در صورت مثبت بودن پاسخ، هر یک از این دو عامل (نیاز، فرصت) تا چه اندازه در بروز و پیشگیری از جرم مؤثر می باشد. این مطالعه از نوع پیمایشی بوده و داده‌های تحقیق با استفاده از تکنیک پرسشنامه جمع‌آوری گردیده است. جامعه آماری این تحقیق شامل جوانان ساکن شهر همدان در محدوده سنی ۱۸-۲۹ سال می باشد که تعدادشان ۳۸۰۰۰ هزار نفر برآورد شده است و با استفاده از جدول مورگان ۳۸۰ نفر از جوانان به عنوان جمعیت نمونه با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین متغیر مستقل نیاز و جرم رابطه مثبت و بین متغیرهای مستقل فرصت و جرم رابطه منفی وجود دارد بدین معنا که هر چه بر میزان نیاز افراد در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افزوده شود احتمال ارتکاب جرم توسط آنها افزایش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: جرایم جوانان، حاشیه نشینی، نیاز و فرصت

۱ عضو یات علمی دانشگاه پیام نور Ebrahimim12@yahoo.com

۲ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

۳ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

مقدمه:

از جمله موضوعات مهم در جامعه شناسی بحث جرم جوانان و عوامل ارتکاب آن است جوانی دوره بحران و زمان شورش است. جوان هر قدر به شناخت خود و محیطش نائل آید، به همان نسبت توقعش بیشتر می گردد، چون با شناخت بیشتر خود، فلسفه زندگی نیز تغییر می کند و در نتیجه می خواهد خود را با معیارهای دوران بلوغ هماهنگ سازد. امروزه به دلیل افزایش روز افزون جرایم توسط جوانان، جامعه شناسان و سایر مسئولان را برای حل این معضل به تلاش واداشته است. سکونت در مناطق حاشیه شهر همواره احتمال بروز جرم را به همراه داشته است تا آنجا که در مسائل جرم شناختی معاصر همواره سکونت در مناطق حاشیه ای به عنوان یک متغیر تاثیرگذار لحاظ می شود.

حاشیه نشینی با جرم رابطه مستقیم و نزدیک دارد. تنوع، تجمل و اختلاف فاحش و چشمگیر طبقات اجتماعی ساکن شهرهای بزرگ، گرانی و سنگینی هزینه های جاری زندگی موجب می شود تا مهاجران غیر متخصص که درآمد آنان کفاف مخارجشان را نمی دهد، جهت برآوردن نیازهای خود دست به هر کاری ولو غیر قانونی بزنند. در چنین مناطقی به لحاظ از بین رفتن ارزشهای انسانی، کجرویهای اجتماعی سریعاً رشد می کند و اعمالی چون دزدی، اعتیاد، قاچاق، فحشا و نظایر آن گسترش می یابد (ستوده، ۱۳۸۲: ۷۸).

شهر همدان هم مانند بسیاری از شهرها، عرصه گسترش شهرنشینی است و سرعت این تحول در آن زیاد است، بویژه آنکه بخش اعظم جمعیت استان در حال استقرار در مرکز استان است. کافی است تصور کنیم که همدان ۵۰۰ هزار نفری حدود یک سوم جمعیت استان را در خود جای داده اند. حاشیه نشینان حدود ۳۰ درصد کل خانوارهای

شهر همدان را در برمی گیرند. مناطق حاشیه ای به صورت کمربندی از شمال غربی تا جنوب شرقی شهر را در بر گرفته و رشد قارچ گونه این مناطق همچنان ادامه یافته، به نحوی که جغرافیای فیزیکی شهر را دستخوش ناهمگونی و ناهنجاریهای شدید کرده است. زندگی حاشیه ای از یک سو می تواند تهدیدهایی برای نظام شهری به شمار رود و از سوی دیگر به حاشیه راندگی، مسائل و مشکلات زیادی نیز برای ساکنان این مناطق به همراه دارد (نقدی؛ ۱۳۸۵: ۲۲۱).

از آنجا که جمعیت حاشیه نشین بخش مهمی از جمعیت شهر را در خود جای داده است و ساخت جمعیت در این مناطق بسیار جوان است لازم است با منطق و درایت علمی با این پدیده برخورد و نسبت به شناخت مسائل آن اقدام کنیم. در این تحقیق جرایمی مانند اعتیاد، سرقت، جرایم منافی عفت، نزاع و درگیری مورد توجه قرار گرفته است. حال سوال اساسی آن است که عوامل موثر در بروز اکثر جرایم و پرورش غالب مجرمان در این مناطق کدامند؟ عبارت دیگر متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی مناطق حاشیه نشین چه تاثیری در بروز و شیوع آسیبهای اجتماعی دارند؟

شیوع و بروز ناهنجاریها و انحرافات اجتماعی احساس ترس و ناامنی در محله را افزایش می دهد که در صورت غفلت از آن عواقب ناگواری در انتظار افراد جامعه خواهد بود. همان طوریکه اگر پنجره ای از ساختمان بشکند و همچنان تعمیر نشده رها گردد به زودی زمینه انهدام کل ساختمان خواهد رسید. برای پیشگیری از انهدام اجتماع نیز باید به محض شکسته شدن اولین هنجار فوراً با هنجار شکن برخورد کرد. موضوع حاشیه نشینی یکی از معضلات شهری است که از حیث بستر قرار گرفتن برای ارتکاب جرایم مورد توجه جامعه شناسان و جرم شناسان بوده است. اینکه جرایم در مناطق حاشیه ای بسیار بیشتر از سایر مناطق اتفاق می افتد مورد پذیرش همه است

و آمارهای اخذ شده از پرونده های مطروحه در دادگستری نیز حکایت از این واقعیت دارد .

چارچوب نظری:

جامعه شناسان هر یک بر علل و عوامل خاصی در بروز و ارتکاب جرایم تاکید نموده اند. مرتون بر این باور بود که در هر جامعه ای اهداف موفقیت و ابزارهای مشروع دستیابی به آن اهداف وجود دارد. هر گاه راههای مشروع جهت دستیابی به این اهداف موفقیت محدود باشد نوعی فشار ساختی میان وسایل و اهداف بوجود می آید که جرم مولود این فشار ساختی تلقی می گردد.

جدول شماره (۱)؛ دسته بندی مرتون از موقعیتهای اجتماعی بر حسب پذیرش یا رد ابزارهای نهادین در رسیدن به اهداف

ابزارهای نهادی	هدف های فرهنگی	
+	+	۱- همنوایی
-	+	۲- نوآوری
+	-	۳- شعائرگرایی
-	-	۴- عزلت گزینی
±	±	۵- شورش

+ نشانه پذیرش و- نشانه رد است ، ± نشانه رد اهداف و ابزار و جایگزینی اهداف و ابزار بجای آنهاست.

هدف نظریه مرتون این است که توجه خود را بر یک مساله خاص یعنی فشار شدیدی که بواسطه ناهمسازی میان هدفهای فرهنگی و فرصتهای ساختار اجتماعی ایجاد می شود متمرکز نماید و تلاش نمی کند همه ی رفتارهای گوناگون را که در یک زمان توسط قانون جزا ممنوع می شوند را تبیین نماید (ولد، ۱۳۸۰: ۲۲۵).

آگنیو^۱ درصدد برآمد تا متغیرهای بیشتری را وارد تئوری فشار سازد. فشار عمومی آگنیو بر اساس این ایده قرار داشت که وقتی با افراد بدرفتاری می شود آنها دچار آشفتگی شده و به ارتکاب جرم می پردازند. انواع فشار از نظر آگنیو عبارتند از:

- ۱- ناکامی در تحصیل اهداف با ارزش نظیر پول، استقلال، احترام.
 - ۲- فقدان محرکات مثبت نظیر مرگ یا دوری دوستان نزدیک یا افراد آرمانی.
 - ۳- وجود محرکات منفی نظیر رابطه نامناسب با والدین، دوستان و ...
- هم بزهکاری و هم مصرف مواد مخدر راه هایی برای چیره شدن بر فشار ناشی از هیجانهای منفی و کنترل آنها است هر چند عواملی نظیر عزت نفس، خلاقیت، حمایت از سوی والدین، دوستان، جامعه و همچنین کنترل اجتماعی قوی می تواند سبب گردند که فرد بجای انتخاب شیوه های مجرمانه برای مقابله با فشار از شیوه های مثبت و غیر مجرمانه سود جوید و با شیوه های مناسب به مقابله با فشار پردازد (Agnew, ۱۹۸۵).

کلوارد و اهلین معتقد بودند علاوه بر شکاف بین اهداف و وسایل مشروع، متغیر سومی نیز در بی هنجاری دخالت دارد و آن تفاوت های افراد در دسترسی به وسایل نامشروع می باشد. آنان معتقدند که امکان دستیابی به راه های نامشروع و انحرافی برای همه به طور یکسان مهیا نمی باشد. همانگونه که در زیر نشان داده شده است کلوارد و اهلین جوانان طبقه فرودست را در چهار طبقه قرار داده اند:

^۱ Agnew

جدول شماره (۲)؛ دسته‌بندی کلوارد و اهلین از جوانان طبقه فرودست

دسته‌های جوانان	جهت‌گیری جوانان طبقه فرودست	
	به سوی عضویت در طبقه متوسط	به سوی بهبود وضعیت اقتصادی
نوع اول	+	+
نوع دوم	+	-
نوع سوم	-	+
نوع چهارم	-	-

جوانانی که در جستجوی ارتقای جایگاه‌اند برای عضویت در طبقه متوسط تلاش می‌کنند در حالیکه جوانان دیگر بدنبال بهبود وضعیت اقتصادی خویش‌اند بی‌آنکه در جستجوی تغییر روابط طبقاتی‌شان باشند. کوهن مدعی بود بیشترین بزهکاری را پسر بچه‌های نوع اول و دوم که برای ارتقای جایگاه خود تلاش می‌نمایند مرتکب می‌شوند. اگر در این حالت که فرصتهای مشروع برای آنها وجود ندارد فرصتهای منفی و نامشروع وجود داشته باشد به تشکیل باندهای مجرمانه دست می‌زنند ولی اگر، نه فرصتهای مشروع برای آنان فراهم باشد و نه فرصتهای نامشروع در آن صورت نارضایتی و ناکامیهای این جوانان تشدید خواهد شد (ولد، ۱۳۸۰: ۲۳۰-۲۲۹).

در نظریه های کنترل اجتماعی فرض شده است که همه به طور طبیعی انگیزه ارتکاب کج رفتاری را دارند و نیازی به تبیین این انگیزه ها نیست، بلکه آنچه نیاز به توضیح و تبیین دارد، هم نوایی با هنجارهای اجتماعی است. تراوس هرشی، مهمترین صاحب نظر این رویکرد علت هم نوایی افراد با هنجارهای اجتماعی را پیوند اجتماعی آنها دانسته است. وی مدعی است که پیوند میان فرد و جامعه مهمترین علت هم نوایی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فرد است و ضعف این پیوند یا نبود آن موجب کج رفتاری است (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۷: ۵۲).

یکی از مهم ترین نظریه پردازان در این زمینه ترویس هیرشی^۱ می باشد. هرشی چهار عنصر را باعث پیوند به جامعه می داند: ۱- تعلق و دلبستگی ۲- تعهد ۳- درگیری و مشغولیت و ۴- اعتقاد (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷) کسانی که به اطرافیان خود علاقه و توجه دارند، نسبت به آنها با مسئولیت و تعهد بیشتری عمل کرده و رضایت آنها برایشان مهم است. اما بر عکس کسانی که این عنصر را ندارند، نگران وضعیت دیگران نبوده پس احتمال بیشتری دارد که روابط اجتماعی شان تخریب شده و به رفتارهای تخریب گرانه یا انحرافی دست بزنند.

فرضیه اصلی این نظریه ارضانشدنی بودن ماهیت انسان است. تئوری کنترل رابطه نزدیکی با دیدگاه انتخاب عاقلانه دارد دیدگاهی که انسانها را موجوداتی خودخواه و سودجو معرفی می نماید. توماس هابز^۲ اظهار داشت که انسانها طبیعتاً خود خواه هستند و بدون وجود یک جامعه نظام یافته، زندگی، کوتاه و خشن خواهد بود، بنابراین جامعه وجود دارد تا از اعضایش در برابر خودخواهی و سودجویی افراد محافظت نماید.

نای^۳ بزهکاری را حاصل شکست کنترل‌های اجتماعی و فردی می داند. وی معتقد است که آموختن رفتار بزهکارانه نادر می باشد و اغلب رفتارهای بزهکارانه حاصل نبود کنترل اجتماعی کافی و مناسب می باشد. نای اظهار داشت که افراد تازه متولد شده هیچ برداشت و تصویری از پوشش صحیح، سرعت مجاز، رفتار جنسی اخلاقی، مالکیت و سایر هنجارها ندارند. بنابراین آنچه که باید آموخته شود همنوایی است نه انحراف. نای خانواده را مهمترین منبع کنترل اجتماعی می داند. وی دریافت که

^۱ hirshi

^۲ Thomas Hobbs

^۳ Ney

بزهکاران از خانواده‌هایی بر می‌خیزند که یا در آنها کاملاً آزاد بوده‌اند یا کاملاً محدود. خانواده در تئوری کنترل همراه با اهمیت بوده است، زیرا بعنوان یک وسیله جهت تبیین هم کنترل شخصی و هم کنترل اجتماعی مهم است (Ney, ۱۹۵۸).

در دیدگاه تضاد بحث اصلی این است که رابطه معکوسی بین قدرت و نرخهای رسمی جرم وجود دارد. احتمال بیشتری وجود دارد افراد دارای قدرت کمتر (و احتمال کمتری وجود دارد برای افراد دارای قدرت بیشتر) به طور رسمی مجرم معرفی شده و از مجرای قانون مورد تعقیب قرار گیرند. در ادامه به برخی از متفکران این دیدگاه اشاره می‌کنیم.

نظریه تضاد گروهی، ولد بر تضاد منافع متمرکز بود. نظریه ولد بر دیدگاهی از سرشت انسانی مبتنی است که معتقد است مردم به طور اساسی موجوداتی گروه درگیر هستند که زندگیشان بخش و محصولی از پیوستگیهای گروهی شان است. گروهها از میان وضعیت هایی شکل می‌گیرند که در آنها اعضاء منافع و نیازهای مشترکی دارند که می‌توان آنها را به بهترین شکل از طریق کنش گروهی فراهم کرد. با به وجود آمدن منافع جدید گروههای جدید به طور مداوم تشکیل می‌شوند و هنگامی که گروههای موجود هدفی بیشتر از این برای برآوردن نداشته باشند، ضعیف شده و از بین می‌روند. تضاد میان گروهها به ویژه در سیاستهای قانونگذاری مشهود است. تضاد بین منافع گروهی مخالف در اجتماع پیش از هر چیز در قانون گذاری وجود دارد. به طور طبیعی گروهی که قانون پیشنهادی علیه آن است با تصویب و اجرای آن مخالفت می‌کند و احتمال بیشتری است که قانون را نقض کنند چرا که قانون از منافع و هدفهایی متضاد با منافع و هدف هایشان دفاع می‌کند. رفتار مجرمانه رفتار گروههای اقلیت در قدرت

است یعنی این گروهها قدرت کافی برای ترویج و دفاع از منافع و هدفهای خود را در فرایند قانونگذاری ندارند (ولد، ۱۳۸۰: ۳۲۰).

چمبلیس^۱ مدعی است که دو نوع قانون وجود دارد: یکی قانون در کتاب که ایده آل قوانین است و دیگری قانون در عمل. اولی مسئولان را به رعایت عدل و انصاف و برخورد مساوی با همه شهروندان فرا می خواند ولی قانون در عمل چهره ای ظالمانه از مسئولان نشان می دهد که به نفع ثروتمندان و قدرتمندان و به زیان فقرا و ناتوانان عمل می کند (چمبلیس و سیدمن: ۱۹۷۱؛ به نقل از سروستانی، ۱۳۸۷: ۶۸).

چمبلیس و سیدمن چنین استدلال می کنند که قانون هم در ساختار و هم در عملکرد در جهت منافع گروههای قدرتمند موجود عمل می کند و به سود همگانی تنها در حدی توجه می شود که با منافع آن گروههای قدرتمند سازگار باشد. چمبلیس و سیدمن معتقدند که همه ی پژوهشهای تفصیلی درباره ی پیدایش هنجارهای قانونی، اهمیت قابل ملاحظه ی فعالیت گروه بهره ور و نه سود همگانی را به عنوان متغیر سنجشگر در تعیین متن و محتوای قانونگذاری نشان داده اند. افزون بر آن هنگامی که قانون ارزشهای اخلاقی و نه منافع اقتصادی را بیان می کند باز هم ارزشهای برخی از گروهها را شامل خواهد شد نه ارزشهای همه ی گروهها را. آنها اظهار می دارند که هر چه موقعیت سیاسی و اقتصادی گروه بالاتر باشد احتمال اینکه دیدگاه هایش در قوانین انعکاس یابد بیشتر است. آنان همچنین معتقدند که ارزشهای قضاوت بطور عمده به سوی ثروتمندان جهتگیری پیدا می کند تا نیازمندان (ولد: ۱۳۸۰: ۳۳۲-۳۲۸).

^۱ Chambliss

هاگن^۱ معتقد است که جرم را باید بر اساس «روابط قدرت» و نه بی قدرتی تبیین نمود. یعنی به رابطه‌ی میان قدرت کسانی که بعنوان مجرم تعریف می‌شوند و قدرت آنهایی که دیگران را مجرم معرفی می‌کنند توجه می‌کند. کسانی که قدرت کمتری دارند احتمال بیشتری وجود دارد مجرم معرفی شوند و بر عکس. هاگن همچنین معتقد است که علت ارتکاب کمتر جرم توسط زنان مربوط است به نظریه‌ی قدرت-کنترل. در این نظریه استدلال می‌شود پدر-مادر، دختران را بیشتر از پسران کنترل می‌کنند و همین مسأله این موضوع را محتمل می‌سازد که پسران بیش از دختران درگیر رفتار پرخطر شوند. بنابراین نرخ‌های فردی بعنوان محصولی از دو سطح توزیع قدرت مورد بررسی قرار می‌گیرند روابط قدرت در جامعه و روابط قدرت در خانواده (همان: ۳۳۲-۳۲۸).

ویلم بونگر^۲ یکی از نخستین جرم‌شناسان مارکسیستی در سال ۱۹۱۶ در کتابش با عنوان «مجرمیت و شرایط اقتصادی» استدلال نمود نظام اقتصادی سرمایه‌داری تمامی مردم را تشویق می‌کند که حریص و خودخواه باشند و بی‌انکه به رفاه هموعان خویش توجه کنند، منافع خویش را دنبال کنند. جرم در طبقه فرودست متمرکز است زیرا نظام عدالت کیفری حرص نیازمندان را جرم می‌انگارد، در حالی که برای ثروتمندان فرصت‌های قانونی‌ایی را مجاز می‌دارد تا تمایلات خودخواهانه‌شان را ادامه دهند. وی استدلال نمود یک جامعه سوسیالیست در نهایت جرم را از بین خواهد برد زیرا این جامعه، نگرانی برای رفاه کل جامعه را ترویج می‌کند و یکسوگرایی قانونی‌ای را که به نفع ثروتمندان است برطرف خواهد نمود (همان: ۳۵۸).

^۱ Hagen

^۲ Bonger

گوردون^۱ استدلال نمود، جرم در حقیقت راهی است برای فراهم نمودن پول برای مردم نیازمندی که با موقعیتهای بیکاری و نیمه بیکاری مزمن در شغل‌های با درآمد پایین و پست مواجه می‌شوند. سرشت خشونت بار این جرم‌ها، نتیجه‌ی این واقعیت است که برخلاف گروه‌های قدرتمندتر، مردم نیازمند، حق انتخابی ندارند که به شیوه‌های پیچیده مانند با قلم به جای سلاح، دست به سرقت زنند. گوردون استدلال نمود به همین گونه، جرم سازمان یافته واکنشی منطقیست به شرایط اقتصادی که در آن شرایط تقاضایی برای کالاها و خدمات غیر قانونی وجود دارد. این نوع بازرگانی به عنوان یک شیوه‌ی پول درآوردن برای مردم نیازمند، در دسترس است در حالیکه شکل‌های قانونی بازرگانی به طور عمده برایشان دسترس ناپذیر است.

چمبلیس انواع مختلف جرم را به نظام‌های سیاسی- اقتصادی جوامعی که جرم در آنها رخ می‌دهد، مرتبط نمود. وی استدلال می‌کند که هر نظام سیاسی- اقتصادی حاوی تناقض‌هایی است که بدون دگرگون نمودن ساختار بنیادین جامعه نمی‌توان آنها را حل کرد. در حقیقت جرم پاسخی منطقی به آن تناقض‌هاست. به طور کلی مشکل راهبردهای کنترل جرم این است که تلاش می‌کنند نشانه‌های بیماری را بررسی نمایند بی‌آنکه نیروهای اصلی سیاسی- اقتصادی را که آن نشانه‌ها را در آغاز به وجود آورده‌اند، دگرگون کنند (ولد، ۱۳۸۰: ۶۵-۳۶۴).

رابرت کی مرتون یکی از جامعه‌شناسان کارکردگراست. با توجه به مدل کارکردی مرتون مبنی بر اینکه نیازها موجب پیدایش سازمان‌ها می‌گردند؛ میتوان گفت بایپیداشدن هر نیاز در جامعه، سازمانی برای رفع آن بوجود می‌آید. میزان کارآمدی یک سازمان هم به میزان دستیابی آن به اهدافش که در واقع مطلوب و نیازمخاطبان است بستگی دارد.

^۱ Gordon

این میزان کارآیی باید شناخته شود. زیرا به سازمان کمک می کند تا در برنامه ریزیها و تصمیم گیریهای سازمانی اش آنها (نیازها را) مد نظر داشته باشد. برای کمک به شناخت نیازهای آموزشی سازمان آموزش و پرورش در اینجا از دو نظریه معرف در ارتباط با نیاز استفاده می کنیم مرتون در نظریه ای که به تئوری مرتون مشهور است میگوید: هرگاه بین هدف و وسیله رسیدن به آن فاصله ای بیفتد جرم به وقوع خواهد پیوست مرتون با توجه به رویکرد کارکردگرایانه خود، در تجزیه و تحلیل رفتارهای انحرافی، الگویی نظری ساخته و پرداخته است که بر سه عامل اساسی تکیه دارد:

الف-اهداف فرهنگی، که شامل آرزوها، امیال و آرمان هایی است که افراد از طریق فرهنگ آنرا آموخته اند.

ب-ضابطه های رفتار اجتماعی، که شامل روشها، راهکارها و وسایل مشروع جامعه برای رسیدن به اهداف فرهنگی است.

ج-وسایل نهادی شده که مبین نحوه توزیع واقعی امکانات، وسایل و فرصت ها برای دستیابی به اهداف مشترک فرهنگی است.

مرتون پس از اعلام این عوامل، به این مسئله می پردازد که احساس فشار و به تبعیت آن انحراف یا جرم، ناشی از روابطی است که میان عوامل فوق الذکر وجود دارد، نه خود این عوامل. به این معنا که جامعه اهداف واحدی را برای عامه مردم در نظر می گیرد، اما از طرف دیگر وسایل مقبول و مشروع به یک اندازه در دسترس مردم نیست، که همین موجب بروز رفتارهای انحرافی می گردد (رابرتسون، ۱۳۷۲، ص ۱۷۴).

تقسیم بندی نیاز و فرصت از نگاه چلبی:

چلبی فرصتها را به چهار دسته عمده به شرح زیر تقسیم کرده است:

۱-فرصتهای اقتصادی ۲-فرصتهای سیاسی ۳-فرصتهای اجتماعی ۴-فرصتهای فرهنگی

۱) فرصتهای اقتصادی : یکی از فرصتهای که باید در هر جامعه وجود داشته باشد و توزیع آن هم عادلانه باشد فرصتهای مادی (اقتصادی) است .

۲) فرصتهای سیاسی :

در این تئوری فرصتهای سیاسی به سه دسته تقسیم می شوند :

الف-امنیت، ب- نظارت بیرونی، ج- آزادی مثبت .

الف)امنیت : امنیت مهمترین خیر جمعی است .امنیت در گذشته بیشتر به صورت نظامی و سیاسی در نظر گرفته شده است در حالی که میتوان بصور دیگری هم به آن نگاه کرد امنیت شامل امنیت مالی ،جانی ،فکری و... می گردد.

ب)نظارت بیرونی: افراد باید به نوعی احساس کنند که تحت نظارت خانواده شان ، دوستانشان ،گروه شغلی و پلیس قرار دارند . نظارت یکی از عوامل باز دارنده از کژرفتاریها می باشد. نظارت بیرونی کم و بیش باید وجود داشته باشد . اگر نظارت بیرونی کم باشد احتمال کژ رفتاریها بالا می رود و اگر این نظارت خیلی هم زیاد باشد سبب نوعی اختلال در رفتار می گردد . پس نظارت از نظارت خانواده گرفته تا نظارت پلیس برای جامعه ضروری و لازم است .

ج)آزادی مثبت : چلبی اظهار می دارد که فقدان آزادی مثبت سبب منفعل شدن افراد جامعه و در نتیجه کاهش واز بین رفتن قدرت نظارتی و کنترلی افراد بر یکدیگر می گردد که این امرمی تواند افزایش کژرفتاریها را در پی داشته باشد.

۳)فرصت های اجتماعی یا رابطه ای :

روابط گرم یا روابط با صبغه عاطفی مثبت پایه و مایه اجتماع و جامعه است .پایه هر نظم اجتماعی حتی در جوامع مدرن عاطفه است واین ریشه در وابستگی عاطفی به جمع (احساس عضویت)و روابط عاطفی در جمع دارد.کم وکیف روابط عاطفی و آرایش آنها در جامعه تا حد قابل ملاحظه ای چند و چون نظم اجتماعی و اخلاق را

مشخص می‌سازد. در صورتیکه به هر دلیل روابط گرم در جامعه سردی گراید و احساس تعلق کنشگران به جامعه سست شود به همان اندازه نیز اعتماد اجتماعی، نظم اجتماعی و تعهدات جمعی و عمومی تضعیف می‌گردد.

۴) فرصت فرهنگی :

استراتژی جامعه را می‌توان در تولید مشخص نمود این تولید می‌تواند تولید :

۱- فکر، ۲- کالا و خدمات، ۳- قدرت و ۴- احساس مطلوب باشد.

جامعه باید فرصت فرهنگی برای افرادش را مهیا کند. افراد جامعه باید فرصت فکر کردن را داشته باشند و تشویق به فکر کردن شوند. راه مصونیت فرهنگی تولید فکر است عدم تولید فکر سبب جهل و تقلید کورکورانه می‌گردد که این امر می‌تواند منجر به کژرفتاری گردند در یک معنا ممکن است فرصت های فرهنگی جامعه را به ۴ دسته عمده تقسیم کرد:

۱- فرصت فکر کردن ۲ - فرصت تجربه کردن ۳- فرصت یاد گرفتن ۴- فرصت یاد دادن

جامعه نه تنها باید به اعضای خود فرصت، رخصت و جرات فکر کردن بدهد بلکه باید آنها را به تفکر در همه امور دعوت کند (چلبی، ۱۳۸۵: ۱۱۷-۱۰۳).

نیاز: نیاز را به گونه های متفاوتی تقسیم بندی کرده اند. اما نکته اساسی در مورد نیازها آن است که نیازهای افراد باید معقولانه تامین شود. اگر به دلیل توزیع یا تولید نامناسب نیازها تامین نشوند نیازها افزایش یافته و حالت انباشتگی به خود می‌گیرند که افزوده شدن نوعی ناهنجاری به نیازهای انباشته شده سبب نوعی ناپرهیزگاری اخلاقی می‌نماید که منجر به افزایش روز افزون نیازها و در نتیجه نوعی ناکامی می‌گردد. نیازهای انسانی به چهار مقوله عمده تقسیم شده اند این چهار مقوله بریک الگوی مفهومی چهار بعدی از ماهیت انسان مبتنی است. طبق این الگو، انسان حداقل

چهار چهره دارد یعنی انسان اقتصادی، انسان سیاسی، انسان اجتماعی و انسان شناختی. در این الگوی مفهومی هر چهره انسان با علقه ای (نفع) ماهوی شامل: علقه مادی، علقه امنیتی، علقه ارتباطی و علقه شناختی عجین است (چلبی، ۱۳۸۵: ۱۱۸).

در ادامه به برخی از پژوهشهای انجام گرفته در مورد موضوع تحقیق (با استفاده از پایگاه پایان نامه های کشور) اشاراتی می گردد.

سید حمید ساربان تحقیقی تحت عنوان «بررسی علل و راههای پیشگیری از بزهکاری در جوانان» را در سال (۱۳۷۵) انجام داده است. نتایج این تحقیق نشان می دهد که امروزه مسئله بزهکاری نوجوانان و جوانان به صورت یکی از حادثترین مسائل اجتماعی جوامع مختلف درآمده است. رسوخ بزهکاری در میان نوجوانان و جوانان که سازندگان اجتماع فردا هستند و ریشه دار شدن آن موجب بیم و نگرانی بیشتری شده است بزهکاری اصولاً از مجموعه ی جرایمی به وجود می آید که در یک زمان و مکان معین به وقوع می پیوندد و به همین جهت زمانی که مورد بررسی قرار می گیرند، در حقیقت کلیه پدیده های اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی، سیاسی، مذهبی و خانوادگی و... یک جامعه عمیقاً مورد مطالعه واقع میشوند. در وهله اول بزهکاران از جهات مختلف سن و میزان تحصیلات، جرم، مشکلات خانوادگی و... تقسیم بندی می شوند و به دنبال آن علل و عوامل مؤثر بزهکاری اطفال و نوجوانان و پیشگیری از این عامل مورد بررسی قرار می گیرند. علت بروز بزهکاری معمولاً علت واحدی نیست، بلکه همیشه چندین علت دست به دست یکدیگر داده و باعث بروز بزه در افراد می شوند. علل مهمی که می توان نسبت به سایر عوامل اساسی تر تشخیص داد شامل عوامل اجتماعی، اقتصادی، روابط والدین و نوجوان میشود.

عماد منصورفر تحقیقی را تحت عنوان «تأثیر آموزش بر ارتکاب جرم نوجوانان بزهکار» را در سال ۱۳۸۵ انجام داد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سواد و آموزش رسمی متغیری تعدیل کننده و مداخله گر در پیشگیری از بروز جرم در نوجوانان بزهکار است. پراکندگی سطوح سواد و عناوین مجرمانه بیانگر گستره بالای بی سواد و کم سواد (بالای ۶۰٪) در نوجوانان و والدین آنها بویژه مادران می‌باشد. بیشترین حیطه جرائم سرقتها و مواد مخدر (۷۰٪) بوده است.

غلامرضا مددی تحقیقی را درباره «مهاجرت و ارتباط آن با جرم و جنایت» را در سال ۱۳۷۸ در شهرستان کرج انجام داد. که نتایج تحقیق نشان می‌دهد تعداد ۲۷۱۴ نفر بزهکار که پرونده های آنان در سال ۱۳۶۷ مورد مطالعه قرار گرفته که ۷/۵۸ درصد آن را مهاجرین تشکیل می‌دهد و همچنین از تعداد ۲۸۲۹ فقره ۵۹ درصد مهاجرین مرتکب جرم شده اند. در واقع یک سوم جمعیت کرج را جمعیت مهاجر در کرج تشکیل می‌دهند که نسبت جرایم آنان، درصد قابل ملاحظه ای را نشان می‌دهد و این نشان دهنده اهمیت و همبستگی بالای مهاجرت و حاشیه نشینی با گسترش جرم است.

ویت و همکارانش در سال ۱۹۹۸ در تحقیق خود درباره جرایم روی یازده منطقه انگلستان در فاصله زمانی ۹۳-۱۹۷۹ به این نتیجه رسیدند که متغیرهایی از جمله نابرابری دستمزدها، نرخ بیکاری، شاخص تراکم جمعیت، تعداد سرانه پلیس، تعداد جمعیت گروه سنی ۱۴-۱۰ و ۲۴-۲۰ سال، باعث افزایش در نرخ جرم می‌شوند که از جمله اثرگذارترین آنها، شاخص تراکم جمعیت بوده که افزایش یک درصدی در این متغیر موجب افزایش ۱/۸۵ درصدی در میزان ارتکاب به جرم می‌شود.

کلی در سال ۲۰۰۰ تحقیقی را به انجام رساند که نتایج تحقیق نشان می دهد بازدهی انتظاری جرم زمانی که افراد با سطح زندگی پایین، در کنار افراد دارای سطح زندگی بالا قرار می گیرند، افزایش می یابد. وی بیان می کند، افرادی که دارای فرصت های اندکی در مقایسه با جامعه هستند، برای رسیدن به اهداف خود دست به کارهای غیرقانونی می زنند.

در یک کار پژوهشی مهم، در رساله دکتری کری بورچفیلد (۲۰۰۵)، با عنوان «دلبستگی به محله به عنوان منبعی برای کنترل اجتماعی غیررسمی جرم» به نقش دلبستگی به محله و تمایل ساکنین یک محله برای دخالت در مشکلات محلی و نقش آن در کنترل اجتماعی غیررسمی و پیشگیری از جرم پرداخته است. ایشان در این تحقیق دلبستگی به محله را به عنوان یک ساختار چندبعدی عملیاتی کرده است. ابعاد متعدد دلبستگی به محله شامل ابعاد ادراکی، رفتاری و تاثیرگذار است. در نتیجه ابعاد دلبستگی رفتاری و تاثیرگذار با سطوح محله ای کنترل اجتماعی غیر رسمی ارتباط مثبت داشته است، هم چنین ابعاد مختلف دلبستگی به محله برای برخی ارتباطات بین شرایط ساختاری محله و کنترل اجتماعی غیررسمی تبیین کننده بوده است. با پیروی از نظریه منظم و سیستماتیک جرم (بورسیک و گراسمیک^۱، ۱۹۹۳) و از طریق تعیین سه سطح از کنترل خصوصی، محلی و عمومی نظریه نابسامانی اجتماعی را بسط می دهد و بر ارتباط بین شرایط ساختاری محله و جرم تاکید می کند. بنابراین اهمیت شبکه های محلی از جمله خانواده، دوستان، همسایگان و سایر عوامل خارجی در پیش گیری و کنترل جرم را شناسایی می کند.

^۱ - Bursik and Grasmick.

در یک رساله دکتری دیگر با عنوان «تاثیرات محله و کنترل اجتماعی غیر رسمی در کاهش بزهکاری: بررسی نقش شبکه های اجتماعی در برونکس جنوبی» (آندرس رنجیفو^۱، ۲۰۰۷) به بررسی نقش شبکه های اجتماعی در فرایندهای کنترل اجتماعی غیر رسمی در محله می پردازد و میزان ارتباط پیوندهای اجتماعی شخصی و متغیرهای ساختاری اکولوژیکی مثل فقر، تفکیک و جابجایی مسکونی در کنترل و پیش گیری از جرم در محل می پردازد. روابط بین ساکنان به عنوان رابطه مهم مکانیسم های غیر رسمی کنترل اجتماعی از طریق نظارت فضاهای عمومی، کنترل جوانان، گزارش فعالیت های مشکوک به پلیس یا سایر موسسات مطرح می شود.

تحقیقاتی که در داخل و خارج از کشور در زمینه جرایم انجام گرفته که هرکدام یکی از علتهای اجتماعی (مثل شاخص تراکم جمعیت، مهاجرت و حاشیه نشینی) و اقتصادی (مثل بیکاری، فقر، نابرابری درآمدها را که بر ارتکاب جرایم توسط افراد مؤثر بوده است را مورد مطالعه قرار داده اند که نتایج این تحقیقات نشان می دهد عوامل اجتماعی و اقتصادی از عوامل مهمی می باشند که در زمینه ارتکاب جرم توسط افراد مؤثر می باشند و بر همبستگی بالای مهاجرت و حاشیه نشینی با گسترش جرم تاکید شده است در این تحقیق با تاکید بر دو عامل نیاز و فرصت، عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی ای که بر ارتکاب جرم جوانان حاشیه نشین شهر همدان تأثیرگذار بوده، مورد مطالعه قرار گرفته است.

^۱ - Andres F. Rengifo.

سوالات تحقیق :

۱- میزان نیاز یا به عبارتی میزان احساس نیاز افراد در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تا چه اندازه در ارتکاب جرم بین جوانان مؤثر می باشد؟

۲- میزان فرصتهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که افراد از آنها برخوردارند تا چه اندازه در ارتکاب جرم بین جوانان مؤثر می باشد؟

۳- نیاز و فرصت در مجموع تا چه اندازه قادر به تبیین جرم در بین جوانان می باشند؟

روش شناسی :

مطالعه حاضر از نوع پیمایش است داده ها از طریق پرسشنامه جمع آوری شده است جامعه آماری این تحقیق شامل جوانان مجرم و غیر مجرم ساکن شهر همدان که در محدوده سنی ۱۸-۲۹ سال می باشد که تعدادشان ۳۸۰۰۰ نفر برآورد شده است که با استفاده از جدول مورگان ۳۸۰ نفر از جوانان به عنوان جمعیت نمونه با روش نمونه گیری ساده انتخاب شدند بدین طریق که با توجه به لیست جوانان زندانی تعداد ۲۰۰ عدد از پرونده های مربوط به جوانان مجرمی که در مناطق حاشیه نشین سکونت دارند را بطور تصادفی ساده انتخاب شده است.

نمونه گیری از گروه جوانان ساکن همدان نیز ابتدا از روش نمونه گیری خوشه ای، مناطق غیر حاشیه نشین شهر همدان را برگزیدیم و سپس باروش نمونه گیری تصادفی ساده در دسترس ۱۸۰ نفر از جوانان (غیر مجرم) را انتخاب شدند.

در این پژوهش برای تعیین اعتبار ابزار اندازه گیری از اعتبار صوری استفاده شده است. منظور از اعتبار صوری شناسایی اعتبار شاخص ها یا معرفهای پژوهش از طریق

مراجعه به اساتید راهنما و مشاور می باشد (ساروخانی، ۱۳۸۲: ۱۳۹) در این تحقیق شاخص پایایی مقیاس آمار آلفای کرونباخ است که دامنه آن از صفر تا یک است اگر شاخصهای ما دارای روایی باشند پس از هر بار آزمایش نتایج یکسانی به دست می آید (دواس، ۱۳۷۶: ۲۵۳). هر چه آلفا بیشتر باشد پایایی مقیاس بیشتر خواهد بود. برای تعیین پایایی ابزار سنجش، ابتدا پرسشنامه تنظیم شد و ۲۰ پاسخگو به این پرسشنامه پاسخ دادند و مقدار آلفای به دست آمده (۰/۷۹). حاکی از پایایی بالای مقیاس بود. بعد از گردآوری داده ها با استفاده از نرم افزارهای آماری SPSS، از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است و از بین آزمونهای آماری موجود با توجه به سطح سنجش متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون، و رگرسیون دو و چند متغیره جهت آزمون فرضیات تحقیق استفاده شده است.

یافته ها:

داده های تحقیق حاصل استخراج پرسشنامه هایی است که توسط ۳۸۰ نفر از جوانان مجرم و غیر مجرم تکمیل گردیده و اساس تجزیه و تحلیل یافته پژوهش حاضر قرار گرفته است. پس از پایان گردآوری داده ها، با استفاده از بسته نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند. تجزیه و تحلیل داده ها بوسیله شاخصهای آمار توصیفی و استنباطی، رگرسیون دو و چند متغیره صورت گرفت. در اینجا به برخی از یافته های این تحقیق می پردازیم.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی جرایم ارتكابی بر حسب جنس مجرمین

جمع	جنس		نوع جرم
	مرد	زن	
۷۹	۲۷	۵۲	رابطه نا مشروع
۱۳	۵	۸	تشکیل باند فحشا
۴۰	۲۲	۱۸	سرقت
۱۵	۴	۱۱	زنا
۱۶	۹	۷	چک بلامحل
۱۹	۱۹	۰	نزاع
۱۴	۱۴	۰	شرب خمر
۲	۲	۰	قتل
۲۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

جدول فوق در زمینه توزیع فراوانی جرایم به تفکیک جنس پاسخگویان بیانگر آن است که بیشترین جرم بین جوانان را رابطه نا مشروع تشکیل می دهد و پس از آن به ترتیب سرقت با ۲۰٪، نزاع با ۹/۵٪، چک بلامحل با ۸٪، زنا با ۷/۵٪، شرب خمر با ۷٪، تشکیل باند فحشا با ۶/۵٪ و ماهواره با ۱/۵٪ قرار دارند.

جدول شماره ۴: رگرسیون چند متغیری برای تبیین تعداد سابقه بر اساس متغیرهای مستقل نیاز

اجتماعی، نیاز فرهنگی و نیاز اقتصادی $n=380$

متغیر	Beta	Sig	Adjusted R square	F	Sig
نیاز اجتماعی	۰/۳۱	۰/۰۰۰	۰/۲۹	۲۸	۰/۰۰۰
نیاز فرهنگی	۰/۲۴	۰/۰۰۰			
نیاز اقتصادی	۰/۱۹	۰/۰۰۲			

جدول فوق نشان می دهد که از بین متغیر وارد شده، متغیر نیاز اجتماعی بیشترین تاثیر را بر متغیر وابسته (تعداد سابقه) دارد و پس از آن به ترتیب نیاز فرهنگی و نیاز اقتصادی قرار دارند. سه متغیر وارد شده در معادله رگرسیون مجموعاً ۲۹٪ متغیر وابسته را تبیین می نماید به عبارتی یک واحد افزایش در نیاز اجتماعی (وقتی که نیاز فرهنگی و اقتصادی ثابت انگاشته شوند) سبب می گردد که تعداد سابقه ۳۱ واحد افزایش یابد.

جدول شماره ۵: رگرسیون چند متغیری برای تبیین تعداد سابقه بر اساس ابعاد چهارگانه متغیر فرصت

متغیر	Beta	Sig	Adjusted R square	F	Sig
فرصت سیاسی	-۰/۲۶	۰/۰۰۰	۰/۴۵	۲۵	۰/۰۰۰
فرصت اجتماعی	-۰/۲۵	۰/۰۰۳			
فرصت فرهنگی	-۰/۱۶	۰/۰۰۰			
فرصت اقتصادی	-۰/۱۴	۰/۰۰۱			

جدول فوق نشان می دهد که از چهار متغیر مستقل وارد شده در معادله فرصت سیاسی با $-۰/۲۶$ بیشترین تاثیر را بر متغیر وابسته (تعداد سابقه) داشته است. همانطور که قبلاً بیان گردید متغیر فرصت سیاسی نیز در سطح فردی مورد سنجش قرار گرفته است و بیانگر میزان دسترسی به وسایل جرم و تلقی فرد از پیامدهای جرم می باشد.

و متغیرهای فرصت اجتماعی، فرصت اقتصادی و فرصت فرهنگی به ترتیب در رده های بعدی تاثیر گذاری بر متغیر وابسته قرار دارند در مجموع متغیرهای مستقل فوق ۴۵٪ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می نماید.

جدول شماره ۶: رگرسیون چند متغیری تبیین تعداد سابقه بر اساس متغیرهای مستقل فرصت و نیاز

متغیر	Beta	Sig	Adjusted R square	F	Sig
فرصت سیاسی	-۰/۱۹	۰/۰۰۰	۰/۴۸	۲۵	۰/۰۰۰
فرصت اجتماعی	-۰/۲۹	۰/۰۰۰			
فرصت فرهنگی	-۰/۱۶	۰/۰۰۰			
فرصت اقتصادی	-۰/۲۲	۰/۰۰۰			
نیاز فرهنگی	۰/۰۴	۰/۰۰۲			
نیاز اجتماعی	۰/۱۴	۰/۰۰۰			
نیاز اقتصادی	۰/۱۱	۰/۰۰۰			

جدول فوق نشان می دهد که از هفت متغیر مستقل وارد شده در معادله فرصت اجتماعی با ۰/۲۹ - بیشترین تاثیر را بر متغیر وابسته داشته است. و متغیرهای فرصت اقتصادی، فرصت سیاسی، نیاز اجتماعی، نیاز اقتصادی و نیاز فرهنگی به ترتیب در رده های بعدی تاثیر گذاری بر متغیر وابسته قرار دارند در مجموع متغیرهای مستقل فوق ۴۵٪ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می نماید.

بحث و نتیجه گیری:

این مطالعه که به بررسی علل اجتماعی جرم در میان جوانان شهر همدان در سال ۱۳۹۲ پرداخته است، نشان میدهد که بین متغیرهای مستقل نیاز و جرم رابطه مثبت و بین

متغیرهای مستقل فرصت و جرم رابطه منفی وجود دارد بدین معنا که هر چه بر میزان نیاز افراد در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افزوده شود احتمال ارتکاب جرم توسط آنها افزایش می یابد. همچنین هر قدر فرصتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کاهش یابد احتمال ارتکاب جرم افزایش می یابد، نتایج تحلیل واریانس یکطرفه نیز نشان می دهد که بین گروه مجرمین و گروه غیر مجرمین از لحاظ نیاز و فرصت تفاوت معنادار وجود دارد یعنی گروه مجرمین معمولاً نیاز بیشتر و فرصت کمتری را نسبت به گروه غیر مجرمین دارا می باشد نتایج رگرسیون حاکی از آن است که متغیر فرصت $۰/۵۳-$ و متغیر نیاز $۰/۲۲+$ از تغییرات در متغیر وابسته (جرم) را تبیین می نمایند.

نظر مرتون مبنی بر اینکه: وقتی برای افراد فرصت کم یا زیاد باشد، انتظارات اجتماعی از افراد پایین یا بالا باشد و معناها نیز برای آنها مبهم، غیر منطقی و ناموجه باشد، هر کدام از موارد فوق بصورت مستقل و یا در ترکیب با یکدیگر می توانند منجر به کژرفتاری گردند تایید می گردند. نتایج بیانگر آنست که از تئوری چهار سازه ای مرتون در زمینه کژرفتاری دو سازه به آزمون نهاده شده آن در این تحقیق (نیاز و فرصت) ۴۱ درصد از ارتکاب جرم بین جوانان را تبیین نموده است. بنابراین رابطه بین نیاز و فرصت با جرم تایید گردید.

نظریه اگنیو مبنی بر اینکه: افرادی که از حمایت اجتماعی بیشتری برخوردارند احتمال ارتکاب جرمشان کاهش می یابد و اینکه وجود کنترل قوی و دسترسی نداشتن به وسایل جرم سبب کاهش میزان ارتکاب جرم می گردد. متوسط میزان نیاز به حمایت در بین مجرمین برابر با $۲/۵۶$ می باشد این میزان در بین غیر مجرمین برابر با $۱/۶۳$ می

باشد. میزان همبستگی $\text{Eta} = 0/33$ در سطح معناداری $0/000$ بیانگر رابطه بین این دو متغیر می باشد.

نظر نای مبنی بر اینکه بزهکاری حاصل شکست کنترل اجتماعی است و میزان دلبستگی فرزندان به والدین و میزان احترامی که آنان برای والدینشان قایلند در ارتکاب جرم موثر است. به عبارتی فرزندان که دلبستگی کمتری به والدینشان دارند احتمال بیشتری دارد که مرتکب جرم شوند متوسط میزان نیاز به تعلق در بین مجرمین برابر با $2/51$ می باشد این میزان بین غیر مجرمین برابر با $1/89$ می باشد. میزان پیوستگی $\text{Eta} = 0/29$ در سطح معناداری $0/000$ بیانگر رابطه بین این دو متغیر می باشد.

نتایج تحقیق نشان میدهد که از بین نیازهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی علیرغم آنکه پیش بینی میشد نیاز اقتصادی بیشترین سهم را به خود اختصاص دهد اما نتایج حاکی از آنست که نیاز اجتماعی با بتای $0/31$ بیشترین تاثیرگذاری بر ارتکاب جرم را به خود اختصاص داده است و نیاز اقتصادی در رده سوم و بعد از نیاز اجتماعی و فرهنگی قرار گرفته است.

همچنین از بین ابعاد نیاز اجتماعی ((تایید، حمایت و رابطه)) نیاز به رابطه با بتای $0/25$ بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است فرصت اقتصادی با بتای $0/25$ در رده دوم و فرصت فرهنگی و اجتماعی در رده های بعدی قرار گرفته اند.

همچنین این فرضیات که بین نگرش فرد، خانواده، دوستان و افراد محله نسبت به جرم و ارتکاب جرم رابطه منفی وجود دارد با توجه به ضرایب رگرسیون، نتایج تحلیل واریانس و ضرایب همبستگی تایید می گردند یعنی هر قدر فرد، والدین،

دوستان و افراد محله نسبت به جرم و مجرم نگرش منفی تری داشته باشند از ارتکاب جرم توسط افراد کاسته می شود.

در خاتمه با توجه به وجود رابطه میان نیاز و فرصت و کثر رفتاری میتوان نتیجه گرفت هر چه بر میزان نیاز افراد در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افزوده شود احتمال ارتکاب جرم توسط افراد افزایش می یابد. بنابراین بجاست که در برنامه ریزی و سیاستگذاری از تک بعدنگری اجتناب ورزیده و با دیدی جامع نگر کلیه نیازهای افراد جامعه و جوانان را در نظر گرفت و سپس اقدام به برنامه ریزی جهت ایجاد فرصت برای برطرف نمودن آن نیازها نمود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع:

- چلبی، مسعود (۱۳۸۵) تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران، نشر نی.
- دواس، دی. ای (۱۳۷۶) پیمایش در علوم اجتماعی، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران؛ نشر نی.
- رابرتسون، یان، (۱۳۷۲) درآمدی به جامعه، حسین بهروان، مشهد، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس، چاپ اول.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۲) روشهای تحقیق در علوم اجتماعی (ج ۱) تهران؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سروستانی، رحمت اله (۱۳۸۷) آسیب شناسی اجتماعی، تهران؛ انتشارات سمت.
- ستوده، هدایت الله (۱۳۸۲) آسیب شناسی اجتماعی، تهران، انتشارات آوای نور.
- نقدی، اسداله (۱۳۸۶)، حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی، همدان، انتشارات فن آوران. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ولد، جرح - برنارد، توماس - اسنیپس، جفری (۱۳۸۰)، جرم شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، انتشارات سمت، تهران.

-Agnew.Robert(۱۹۸۵).A Revised Strain theory of delinquency.htm

-.Burchfield, Keri. B(۲۰۰۵), Neighborhood Attachment, As A Source Of Informal Social Control, A Thesis in Sociology,

The Pennsylvania State University, ProQuest Information and Learning Company, UMI Microform.

-Ney, F (۱۹۵۸) Family Relationships and deliquent behavior.
htm

-Rengifo, Andres F.(۲۰۰۷) Neighborhood Effects and Informal Social Control:Examining the Role of Social Networks in the South Bronx,The City University of New York

